

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و برزنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

هیوادوال کابلی
۲۳ فیروزی ۲۰۱۲

به مناسبت چهارمین سالگرد درگذشت استاد نورمحمد "تابش"

به تاریخ ۲۲ فیروزی سال ۲۰۰۸ مرگ نابغه هنگام استاد نورمحمد "تابش"، خانواده، دوستان و آشنایان آن انسان پراحساس و مبارز را در غم و اندوه بی پایان غوطه ورساخت. امروز که پوره چهارسال از آن سیه روز می گذرد، سوگ استاد دوام دارد و نبود شان به همان اندازه محسوس است. استاد انسان صادق، با درد و مبارزی بودند که فریاد عصیان به ضد ظلم و تعدی را با رنج جانکاه جلاوطنی گره زده و در قالب نظم متبلور می ساختند. منظومه "خطاب به ملل متحد" ایشان در شرایطی که آن کانون آتش افروزی نسبت به هر زمان دیگر به آله دست زورمندان و میدان معامله گری های ننگین و ضد بشری مبدل گردیده است و همچنان جنگ سالاران جانی و ددمنش همدست با مزدوران جنایتکار روس و نوکران نو به دوران رسیده غرب هنوز هم دندان از استخوان مردم مظلوم و به خون خفته ما نیرداشته اند، معنی و مفهوم عمیق خود را می یابد.

یاد و خاطره استاد نورمحمد "تابش" جاودانه!

«خطاب به ملل متحد»

ای که نام صلح داری بر زبان
می زنی لاف مساوات در جهان
هر دم از انصاف صحبت میکنی
برستم، نفرین و لعنت میکنی
مدعی عدل در دنیا توئی
ظالمان را سرشکن گویا توئی
در سخن داری زبان بس دراز
گوئی در چشمت نباشد امتیاز
حامی قانون و آزادی توئی

ضد جنگ و ضد بریادی توئی
در بشرخواهی توئی در دهر طاق
می کنی تبلیغ صلح و اتفاق
چشم بکشا کشور مارا نگر
تا بدانی معنی شر و بشر
"رهبران" این رهنان بی وقار
غصب از مردم نموده اقتدار
ناف شان بسته به ناف اجنبی
می کنند دایم طواف اجنبی
بر لب ، حرف دین و تقوا و نماز
لیک در سرفکر پوچ امتیاز
زیر نام دین و اسلام و جهاد
داده هستی خلاق را به باد
از جهانخواران جنگ افروز دهر
زین جباران تمدن سوز دهر
تربیت دیدند و جهل اندوختند
کشور زیبای مارا سوختند
مردم ما از وطن آواره شد
گشت مأیوس و بسی بیچاره شد
آسمان راکت پرانی می کند
کشتزاران مین فشانی می کند
مرد وزن آغشته در خون گشته اند
خون چکان از مرز بیرون گشته اند
عده دیگر اسیر و ناتوان
بی لباس و بی دوا ، بی آب و نان
لقمه ای را گرفتند از بیرون
می کنندش چور گرگان از درون
آن جهادی های بی نام و نشان
این تفنگداران ، جلادان ، خاینان
متحد با نوکران پست روس
کرده اند بر کرسی قدرت جلوس
طوق جاسوسی ایران را ببین
حلقه سان برگردن این خاینان
آستان بوسان شیخان عرب

دین فروشان ودلالان عرب
کرده اند تطبیق این بدگوهان
نقشه های شوم "جنرال اختران"
نوکرکلدارودالرگشته اند
از "ضیاءالحق" زبون ترگشته اند
جنگ گردیده سرشت و خوی شان
آدمیت کرده تَف ، بر روی شان
ناجوانمردانه این پست فطرتان
می کنند دایم تجاوز بر زنان
از دهان طفل گیرد شیر او
گر بیفتد فرصتی درگیر او
بر پتیمان نیز یورش آورند
سینه های بیوه ها را می درند
ملت ما گشت از قحطی هلاک
از بیم وراکت شده در زیر خاک
نی دوائی بهر بیماران بود
نی دهانی را لیبی از نان بود
قلب مادر میهن ما چاک شد
عالمی زین ماجرا غمناک شد
لیک داری تو چرا بر لب سکوت
بادهان باز بدبو مثل بوت
نیست خاموشی تو غیر از گناه
می شود زین شیوه خلق ما تباه
چشم اگر نبود ترا کرنیستی
یا کلاه هستی ولی سرنیستی
نالۀ این مردمان بینوا
بسته زنجیر این دجال ها
می کند در سنگ خارا هم اثر
نیستی تو لیک از حالش خبر
تومبادا مثل این اهریمنان
دشمن آزادی و آزادگان
با لوای خلق سالاری خویش
بهر حفظ نام سرداری خویش
پای بر حلقوم مظلومان نهی

بوسه بردست ستمگاران نهی
گر چنین نبود سخن آغازکن
چشم حق بینت خدارا بازکن
مردم کشمیر پوشیده کفن
داغ ها دارد سومالی دریدن
جوی خون جاریست در خاک عراق
چون سپندی هم فلسطین درأجاق
بوسنی مقتول ساطورستم
تاجکستان را نه گیری دست کم
در روندا عالمی درخون نشست
رشته جان دریمن از هم گسست
لیک تو ای عشوه پرداز ای "صنم"
مست در آغوش ارباب ستم
رفته ای از خویش با جام شراب
عالمی را کرده ای چون خود خراب
منطبق نبود به قیل و قال تو
طرز رفتار تو و اعمال تو
حیف این نام بزرگ و پر جلال
برتو نازیبا بود ای بدسگال
گربه کردارت نیاری انقلاب
رستگاری نایدت روز حساب
آنچه می گوئی عمل باید نمود
زهر را فرق از عسل باید نمود
جایگاهت بس رفیع است و بلند
هیچگاهی دل به پستی ها میند
جنس خوش باید به بازار آوری
تا ترا گردند مردم مشتری
حرف حق از "تابش" افغان شنو
از پی ارباب زور وزر مرو!
اقتباس از "معبد عشق" (صفحات ۱۳۹ تا ۱۴۳)
هیوادوال "کابلی"
۲۱ فبروری ۲۰۱۲